

امور مالی بین الملل در چند قرن گذشته مقاطع زمانی حساسی را تجربه کرده است که این اثرات مهمی را بر جای گذاردهاند. در ذیل به برخی از این مقاطع اشاره شده است.

جنگ داخلی آمریکا (1861-1865)

خزانه کشور آمریکا جهت تامین بخشی از امور مالی جنگ داخلی، شروع به چاپ "پشت سبز" می کند، یعنی اسکناس هایی که قابل تبدیل به نقره یا طلا نیستند اما برای همه کار به جز پرداخت عوارض گمرکی و بهره اوراق بهادار دولتی، پول قانونی به شمار می آیند.

اغلب کشورها استاندارد طلا را جایگزین پایه نقره کردند، 1870-1900

ذخایر سرشار نقره به بازارهای جهانی سرازیر شده و منجر به "غیر پولی" شدن نقره می شوند. آلمان به دنبال جنگ آلمان-فرانسه توانست با دریافت "گرامت جنگی" سنگین توسط آلمان از فرانسه به صورت طلا، به دنبال جنگ آلمان-فرانسه، چندین تن نقره در کشورهای همسایه تخلیه کند. این کار به نوبه خود دست اندازی آلمان را به طلا از ترس تورم نقره به همراه داشت. آلمان یک کشور واحد می شود و "مارک" را به عنوان واحد پول خود، با پایه طلا، برمی گزیند.

قانون پول ژاپن (1871)

ژاپن استاندارد طلا را مبنا قرار می دهد و سیستم اعشاری ین، سن و رین معرفی می شود.

رکورد اقتصادی عظیم در انگلستان (1873-1886)

اقتصاد بریتانیا نسبت به اقتصاد آمریکا و آلمان دچار رکود شده و تردیدهایی را در مورد محسنات استاندارد طلا بر می انگیزد.

سیستم بانکداری دولت فدرال آمریکا پایه گذاری شد (1913)

سیستمی متشکل از 12 بانک منطقه ای که همه بانک های ملی و ایالتی را در منطقه جغرافیایی مربوط به خود در برمی گیرد، تشکیل می شود.

آمریکا به جنگ جهانی اول می پیوندد (1917)

افزایش بدهی ملی آمریکا از حدود یک بلیون دلار در سال 1916 به 25 بلیون دلار در سال 1920 می رسد. بروز جنگ روند تجارت و حرکت آزادانه طلا را مختل کرده و باعث از میان رفتن استاندارد مبادله طلا می شود.

شکوفای شدن بازار سهام در آمریکا (1928-1929)

بانک فدرال آمریکا به جز هشدار به بانکها در مورد اعطای وام به محتکران سهام که آن هم به طور کامل نادیده گرفته شد، هیچ اقدامی برای توقف از کنترل خارج شدن این شکوفایی نکرد.

سقوط شدید بازار (1929)

بازار سهام نیویورک در 24 ماه اکتبر سقوط می کند، این واقعه منجر به فروش بیشتر طی سه روز بعد می شود. بسیاری از سرمایه گذاران کوچک که تا 90% قیمت سهام خریداری شده خود را قرض گرفته بودند، خواهان گرفتن اعتبار بیشتر از بانکها شدند. در ادامه تصمیم بانک فدرال برای سخت گیری در مورد اعطای اعتبار بیشتر رکود اقتصادی را تشدید کرد.

سیل شکست های بانکی و وام دادن بی تشریفات بانکی موجی از ورشکستگی به وجود آورد که منجر به کاهش بیش از نیمی از تولید خالص ملی آمریکا شد.

آمریکا و فرانسه 75% موجودی طلاي جهان را در اختیار دارند (1931)

بریتانیا استاندارد طلا را کنار می گذارد (1931)

مجموعه ای از شکستهای بانکی در آلمان منجر به حرکات عظیم ارز در سطح بین الملل و موجب تصمیم بریتانیا برای کنار گذاشتن استاندارد طلا را شد.

قانون ذخیره طلاي آمریکا (1934)

در اولین سال ریاست جمهوری روزولت، همزمان با New Deal (اصول سیاسی و اقتصادی دولت روزولت) ارزش دلار آمریکا در مقابل طلا از 20.67 دلار برای هر اونس به 35 دلار برای هر اونس کاهش یافت و به این ترتیب به مالکیت قانونی شمش و سکه های طلا توسط شهروندان برای یک نسل پایان داد.

جنگ جهانی دوم (1939-1945)

بریتانیا برای تامین مخارج جنگ مبالغ معتدبهی قرض می گیرد و با اجرای خط مشی های اقتصادی کینز به یک بدهکار بزرگ مبدل می شود. بدهی ملی آمریکا تقریباً پانزده برابر می شود و به دلیل قرض های این کشور برای جنگ در سال های 1930 تا 1946 به 269 بلیون دلار می رسد.

موافقتنامه برتون وودز (1944-1971)

این موافقتنامه سیستم ارزهای قابل معاوضه، نرخ های برابری ثابت و تجارت آزاد را به اجرا گذاشت، در عین حال که کشورها توافق کردند، ارزش پول خود را با تفاوت مختصری در مقابل دلار، و در صورت نیاز با نرخ متناسب طلا حفظ کنند. این موافقتنامه پایه گذار صندوق بین المللی بازرگانی و توسعه (بانک جهانی) بود.

آمریکا برای اروپا طرح مارشال را به اجرا می گذارد (1947)

آمریکا برنامه کمک مارشال را جهت باز سازی اروپای جنگزده به اجرا می گذارد. این امر باعث حجم همواره رو به گسترش تجارت در دهه 50 شده و به انتقال سرمایه های عظیم منجر می شود.

جنگ کره (1950-1953)

اقتصاد ژاپن به دلیل نقش این کشور به عنوان تنها پایگاه در آسیا برای ملزومات و تدارکات نیروهای سازمان ملل در کره رونق می گیرد.

جامعه اقتصادی اروپا طی "معاهده رم" شکل می گیرد (1957)

بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، فرانسه، آلمان و ایتالیا اولین کشورهای این گروه را تشکیل می دهند.

توافقنامه برتون وودز فسخ می شود (1971)

ذخایر طلاي آمریکا دچار نزول می شود. این در حالی است که ادعای خارجیان نسبت به بالا رفتن دلار و ارزش آن در مقابل طلا نمی تواند آن را به قیمت هر اونس 35 دلار حفظ کند. این امر به دلیل مبالغ رو به افزایش دلار خارجی ناشی از پرداخت های بازرگانی پس از جنگ تسهیل شد. پزیدنت نیکسون قابلیت تبدیل دلار به طلا را به حالت تعلیق در می آورد.

پس از آنکه ارزش دلار آمریکا برای بار دوم پائین آمد، قیمت ثابت طلا از بین رفت. قیمت طلا از هر اونس 35 دلار به هر اونس 42.22 دلار افزایش یافت و ارزهای دیگر در مقابل دلار حالت شناور پیدا کردند.

قیمت نفت اوپک "شوگ اول" (1974)

با اعمال تحریم نفتی توسط اوپک قیمت نفت به چهار برابر افزایش می یابد و به شدت رشد اقتصادی جهان را کاهش می دهد. با آنکه اقتصاد کشورهای غرب ضربه بدی خورد، اما کشورهای کمتر پیشرفته متحمل بیشترین ضرر شدند.

قیمت نفت اوپک "شوگ دوم" (1978-1980)

با شروع جنگ ایران و عراق قیمت نفت دو برابر شد و تورم و نرخ های بهره را تشدید کرد. اقتصادهای صنعتی دچار رکود شدیدی شدند. بانک های آمریکا سیل دلارهای نفتی را منتقل کردند ولی نتوانستند بدهی های کشورهای آمریکایی لاتین را وصول کنند. این امر منجر به بحران بدهی کشورهای آمریکایی لاتین در دهه 80 و 90 و پس از آن خروج سرمایه هنگفتی از قاره شد.

سیستم پولی اروپا به وجود آمد (1979)

جامعه اروپا مکانیسمی برای مبادله ارز به وجود می آورد که به ارزها اجازه می دهد داخل دامنه محدودی در هر دو سوی نرخ توافق شده مرکزی نوسان داشته باشند. واحد پول اروپا یا "اکو" براساس میانگین وزنی 10 پول اروپایی به وجود می آید.

بحران بدهی مکزیک (1982)

مکزیک برای بدهی خود اعلام مهلت قانونی کرد که باعث گریز سرمایه های عظیم از آرژانتین، برزیل و ونزوئلا شد.

اتحاد مجدد آلمان (1990)

پول آلمان شرقی با نرخ جدید 1:4 با مارک آلمان مبادله شد. این امر به همراه نیاز شدید آلمان شرقی به کالاهای استاندارد غربی، باعث انتقال سیل سرمایه های هنگفت از شرق به غرب می شود. بانک مرکزی آلمان در تلاشی برای مهار تورم فزاینده نرخ های بهره را بالا برد که به رکود اقتصادی اوایل دهه 90 منتهی شد.

لندن استیلای خود را بر بازار ارز حفظ می کند (1992)

گردش روزانه معاملات ارز در لندن به 300 بلیون دلار می رسد. وقتی به دلیل موج پرداختهای الکترونیک، معاملات مالی حجم تجارت جهانی را تا 20 برابر کاهش داد، ناپایداری ارز افزایش یافت.

پیمان ماستریخت راه را برای اتحادیه اروپا هموار می کند (1992)

با تعیین سال 1999 به عنوان تاریخ اجرای پول واحد اروپا، ضوابط اقتصاد کلان برای کشورهای این پول را انتخاب می کنند به اجرا در می آید.

پوند انگلستان از مکانیسم نرخ مبادله ارز اروپا حذف می شود (1992)

نیروهای سوداگر ارز، پوند را از باند نرخ ارز در ERM حذف می کنند، چرا که انگلستان نمی تواند نرخ های بالای بهره را حفظ کند.

فروش سوداگرانه به پولهای کشورهای شرق آسیا آسیب می رساند چرا که بازارها به پایداری اقتصادی کشورهای که قادر به پرداخت فرایند دیون نیستند، کسری های تجارت آنان رو به افزایش دارد و ذخایرشان رو به کاهش ارز، تردید می کنند. این امر بانک های مرکزی منطقه را وادار می کند، نرخ های بهره را ثابت نگه دارند تا از ارزش پول خود دفاع کنند که خود باعث رکود اقتصادی می شود.

بحران مالی روسیه (1998)

دولت روسیه ارزش روبل را پائین می آورد، بدهی داخلی را پرداخت نمی کند و جهت پرداخت به طلبکاران خارجی اعلام مهلت قانونی می کند. این امر باعث می شود سرمایه گذاران محتاط از سرمایه گذاری در روسیه احتراز کنند. هنگ کنگ بیش از پانزده میلیارد دلار قراردادهای آینده شاخص سهام را می فروشد تا جلوی سوداگران را بگیرد و از پول خود دفاع کند. بابالا گرفتن فشار کاهش ارزش پول در برزیل و ونزوئلا، بحران آسیا به آمریکای لاتین نیز سرایت می کند. آمریکا مدیریت سرمایه بلندمدت صندوق سرمایه گذاری تامینی را از تنگنا خارج می کند که موفقیت های مشتق شده تا سقف 100 میلیارد دلار از بحران روسیه دارد. بانک فدرال در طول سه ماه، سه بار نرخهای بهره را کاهش می دهد تا نقدینگی را بالا ببرد و اعتماد را به بازارهای جهان بازگرداند.

پول واحد اروپا ایجاد می شود (1999)

"یورو" پول بازار یازده کشور از 15 کشور عضو اتحادیه اروپا می شود. این یازده کشور عبارتند از: بلژیک، آلمان، اسپانیا، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هلند، اتریش، پرتغال و فنلاند.

سکه و اسکناس یورو به بازار می آید (2002)

سکه و اسکناس یورو به جریان می افتد و پول قانونی می شود.

بازار های ارز: جفت های معامله، نقدینگی، بخش های بازار

بازار ارز از نظر گردش معاملات روزانه یا ارزش معاملات بین دو طرف، بزرگترین بازار مالی جهان است. با ظهور تکنولوژی و انتقال سرمایه ها به آن سوی مرزها، معاملات ارز از حدود 70 میلیارد دلار روزانه در دهه 80 به بیش از 1.5 تریلیون دلار روزانه در سال 1998 رسید. اما به چند دلیل گردش کار روزانه در سال 2001 به حدود 1.2 تریلیون دلار کاهش یافت. از جمله این دلایل معرفی یورو بود و موج کارگزاران الکترونیکی که نیاز به دلالت بازار ارز را کاهش داد و به دنبال کاهش نقدینگی بازار در سال 1998، از میزان ریسک پذیری کاسته شد. به خصوص ایجاد یورو به معنای حذف تدریجی 12 پول ملی اروپا و از بین رفتن هزاران شغل مربوط به تجارت جفتهای کلیدی ارز بود. دلیل دیگر کاهش، بحران پولی سال 1998 ناشی از تشدید ناپایداری بود که در نهایت باعث شد چندین بانک از ریسک پذیری خود کم کرده و از حجم معاملات خود بکاهند.